

دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال چهاردهم

بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره چهل و نهم

واکاوی حرف تمنی لیت در قرآن کریم از منظر مربع معناشناسی و زیبایی شناختی گفتمان

معصومه پویا^۱

فرهاد دیوسالار^۲

چکیده

قرآن کریم این معجزه بزرگ دین مبین اسلام، در هر دوره و عصری، جلوه‌ای تازه از خود به تماشا می‌گذارد. فرازهایی از آیات شریفه قرآن کریم در بردارنده ای کاش ها معادل حرف تمنی لیت می‌باشند که یکی از این صحنه‌های عظیم گفتمان قوی و تأثیرگذار می‌باشد.

در این نوشتار تلاش بر آن است این آیات را با روش تحلیلی-توصیفی از منظر مربع معناشناسی گریماس و نیز جنبه‌ی زیبایی شناختی عاطفی بررسی نماییم؛ جنبه‌ای که به عنوان عنصری منعطف می‌تواند یک ساختار با عناصر عاطفی را تحت کنترل و نظارت خود درآورد و مترجمان نوین در صدد شناخت و درک این جنبه‌های ظریف در ترجمه‌ی کلام وحی می‌باشند.

مهم‌ترین هدفی که به دنبال دستیابی آن هستیم، شناخت لایه‌های متعدد و کاربرد این ساختار در گفتمان زیبایی شناختی عاطفی با در نظر گرفتن تقابل تضادی، تناقضی و تکمیلی از سوی کنشگر مثبت و منفی می‌باشد تا در این عبارات به ظاهر کوتاه، نمایشی بزرگ از چهار قطب مؤثر در گفتمان و عواطف در سیلان آن را شاهد باشیم. در این راستا، رسیدن به یک ترجمه‌ی پویا و زنده و تأثیرگذار، هدف غائی ما در این پژوهش می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که خداوند در قرآن کریم موارد "ای کاش ها" را از زبان انسان‌ها در دو دسته ی دنیوی و اخروی با الفاظ و اسلوبی بسیار زیبا بیان کرده است؛ و بیانگر آرزو و حسرت آنچه که دیگران دارند، و یا در افسوس و حسرت آنچه گذشته و از دست رفته است، می‌باشند. از سویی دیگر، بیانگر آرزوی آینده‌ای است که در شرایط حاضر امکان دسترسی به آن فراهم نیست.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، مربع معناشناسی گریماس، حرف تمنی لیت، زیبایی شناختی عاطفی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی کرج. masumehpouya@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. divsalarf@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۴

۱. مقدمه

زبان نوعی نظام ارتباطی است که موضوع ارتباط را با آن چه ایجاد ارتباط می‌کند، مربوط می‌سازد. به بیان دیگر زبان نظامی است که در یک سو پیام و در سوی دیگرش، مجموعه‌ای از نشانه‌ها یا نمادها قرار دارند. (پالمر، ۱۳۷۸، ۳)

با توجه به تعریف بالا، اگر زبان و گفتمان مورد بررسی، یک متن مقدس باشد، شناخت و تحلیل ارتباط و نشانه‌های آن برای مخاطب متن، بسیار مهم و حیاتی می‌باشد تا بتواند به درون لایه‌های متن نفوذ کرده و مفهوم اصلی آن را دریابد.

۱,۱. اهمیت پژوهش و بیان مسأله

در پژوهش حاضر، تلاش بر این است تا با استفاده از روش‌های نوین شناخت مفهوم متن، آیات در بردارنده‌ی "ای کاش‌ها" را بررسی نموده و با استفاده از مربع معناشناسی، به مفاهیم درونی آن‌ها پی برده تا این درک مفاهیم عمیق، ما را به ترجمه‌ای دقیق رهنمون گردد.

پژوهشگران این تحقیق قصد دارند، مفاهیم درونی آیات را برای نسل جستجوگر کنونی یافته و او را در مقابل پرده‌ی نمایش قرار دهند تا فیلمی اخلاق مدار بدون صراحت ظاهری گفتار را به تماشا بنشینند. زبان این آیات با توجه به درک معناشناختی آن، به گونه‌ای است که انسان امروزی با رغبت پای آن نشسته و از آن بهره‌مند می‌گردد.

۱,۲. پرسش‌های بحث

در این نوشتار باید بتوانیم پاسخی به این پرسش‌ها بیابیم:

الف: چگونه می‌توان با ابزار جدید، متون کهن و ارزشمند را برای دریافت بهتر معنایش کاوید؟

ب: گفتمان‌های قرآنی از چه مقولاتی هستند که اعجاز نامیده شده و دیگران از آوردن همانندش عاجزند؟

ج: آیا با توجه به مربع معناشناسی می‌توان از این آیات برداشتی غیر از آرزوی محال و بی‌فایده داشت؟

۱,۳. پیشینه‌ی تحقیق

از مربع معنا شناسی در تحقیقات و پژوهش های زیادی برای تحلیل روایت و گفتمان بهره برده شده و بیشترین کاربرد آن تاکنون در حوزه‌ی تحلیل روایت بوده است. از جمله افسانه کچل مم سیاه که حمید رضا شعیری در کتاب مبانی معناشناسی به صورت بسیار دقیق بدان پرداخته است. مربع معناشناسی گریماس به منظور برجسته ساختن مواضع پنهان در یک متن یا فرآیند استفاده شده است. فردریک جانسون در رمان چارلز دیکنز به نام روزهای سخت، روش خود را بر این مبنا کار کرده است، پورشهرام در مقاله‌ی خود با عنوان "خوانشی ساختارگرایانه از داستان کلاغ‌های نادر ابراهیمی" با استفاده از شیوه‌های جدید تحلیل داستانی، نقد روایتی و نیز بکارگیری الگوی کنش گر گریماس، این داستان را بررسی و تحلیل نمود.

حمید رضا شعیری و همکاران در مقاله‌ی "رویکرد نشانه - معنا شناختی فرایند مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوقی مثنوی معنوی" به فرایند های گفتمانی پرداختند. احمد پاکتچی و همکاران در مقاله ای با عنوان "درآمدی بر استفاده از روش های "معناشناسی" در مطالعات قرآنی" بیشتر بر مکتب بن در مطالعات قرآنی پرداختند. با توجه به نوع دیدگاه این پژوهش و آیات ویژه ای که گفتمان خاصی را بر پرده نمایش آورده، تاکنون کاری انجام نشده است.

۲. تعاریف واژگانی بحث

تمنی: آرزو کردن و خواستن چیز محبوبی است که به پدید آمدنش، امید نمی‌رود و بر حصولش، انتظاری نیست (عرفان، ۱۳۹۴، ۱۷۳). لیت: اصلی ترین برای تمنی است (السکاکي، ۱۳۱۸، ۱۴۷).

زبان شناسی: مطالعه‌ی علمی زبان؛ معناشناسی: مطالعه‌ی علمی معنا (صفوی، ۱۳۷۸، ۱۴). متن: هر آنچه دریافتنی و درک شدنی باشد (شعیری ۱۳۸۱، ۴۱)؛ مربع معنا شناسی: نوعی بازنمود دیداری و واضح از مقوله‌ی معناشناختی است (همان، ۱۲۸)؛ مقوله: دو واژه که با هم در تضاد باشند (همان، ۱۲۹). گفتمان: عمل یا فعالیتی است که به تولید گفته منجر می‌شود (همان، ۴۵).

۳. معنا شناسی

معناشناسی اصطلاحی فنی است که به مطالعه‌ی معنا می‌پردازد (پالمر، ۱۳۸۷، ۱۳). در تعبیری دیگر «معنا شناسی اصطلاحی فنی است که به مطالعه‌ی علمی معنا گفته می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷، ۲۷). احمد مختار عمر معناشناسی را دانش خاصی معرفی می‌کند: «معناشناسی دانشی است که به بررسی معنا می‌پردازد (مختار عمر، ۱۳۸۶، ۱۹). جین اچسون لفظ معناشناسی را این گونه تفسیر می‌کند: «معنا شناسی از اسم یونانی sema به معنای نشانه، و فعل semaino به معنای "علامت دادن" و "معنا دادن" گرفته شده است (اچسون، ۱۳۷۱، ۱۱۳).

هر متن و یا کلامی، اطلاعات و دانسته‌های فراوانی در خود نهفته دارد و به همین دلیل، باید با آن به عنوان موضوعی شناختی برخورد کرد. معناشناسی به گونه‌ای که مورد نظر ماست، در پی کشف چگونگی سازماندهی این دانسته‌ها در کلام و بررسی تأثیر معنایی آن‌ها در خواننده یا شنونده است (شعیری، ۱۳۸۱، ۳).

به تعبیری «اگر زبان شناسی را مطالعه‌ی علمی زبان در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که معناشناسی نیز مطالعه‌ی علمی معنا است» (صفوی، ۱۳۸۷، ۱۴).

از آن جا که معناشناسی علم نظریه‌ها نیست بلکه ابزاری برای تجزیه و تحلیل کلام است، پس به عنوان کلیدی برای گشایش درهای کلام و متن، در خدمت گفتمان است. معناشناسی برای تجزیه و تحلیل، دست به تقطیع و برش کلام می‌زند و پس از بررسی و موشکافی، آن‌ها را به مثابه‌ی حلقه‌های زنجیر به هم متصل نموده و به "کل معنایی" می‌رسد.

۱,۳. تاریخچه بحث

فردینان دوسوسور - پدر علم زبان‌شناسی جدید - وقتی در مورد "معنا" نظر می‌دهد، دیدگاه و نظرش می‌تواند به عنوان یک دیدگاه آغازگر تلقی شود. او زبان را این گونه تعریف می‌کند: «زبان نظامی است از ارزش‌ها، نه مجموعه‌ای از اقلام و اجناس که بر اساس جوهر خودشان تعریف شده باشند» (کالر، ۱۳۷۹، ۵۴).

واکوی حرف تَمَنّی لیت در قرآن کریم از منظر مربع معنانشناسی..... ۳۱۱۱۱

او به لفظ و معنا، نگاهی سنتی دارد. از قدیم در مباحث زبان‌شناسی و منطق، تقابل لفظ و معنا مورد توجه بوده است. ذهن ما آموخته که هر لفظی یک معنایی دارد و بین لفظ و معنا تقابل دوگانه ای وجود دارد.

جریان‌های معنا شناسی نوین به دو دسته تقسیم می شود: دوره متقدم؛ دوره متأخر. جریان‌های متقدم از اوایل قرن بیستم تا دهه‌ی پنجاه ادامه داشته و جریان‌های متأخر از دهه‌ی ۱۹۶۰م به بعد را شامل می شود. نظریه‌های معنانشناسی در اروپای غربی یک روند کاملاً خطی را طی کرده است و تقریباً دنباله‌رو و تکمیل کننده‌ی دیدگاه دو سوسور بوده‌اند. با ورود لوئیس یلمسلئو تغییری شگرف در این حوزه رخ داد. او تقابل لفظ و معنا را به یک تقابل دیگر تبدیل کرد و بجای لفظ، "تعبیر" و به جای معنا، "محتوا" را بکار برده تا بتوان به درک بهتری از رابطه‌ی میان این دو دست یافت.

از جریان‌های متأخر می توان مکتب پاریس را نام برد. معنا شناسی پویا (مکتب پاریس) در سال ۱۹۶۰ م توسط آلژیراس ژولین گریماس بنیان نهاده شد که منتج از دیدگاه‌های ساختارگرایی سوسور و زبان شناس دانمارکی "لوئیس یلمسلئو" بود. مکتب پاریس بحث ارتباط را وارد معنا می کند. بنابراین وقتی "بیانی" مطرح می شود، "بیان کننده" و "شنونده" هم مطرح می شوند.

۲,۳. مربع معنانشناسی

گریماس الگویی اساسی تحت عنوان «ساختار ابتدایی معنا» به دست می دهد که در سطوح زیرین متن قرار دارد. این الگو بر پایه ساختار تقابل‌های دوتایی شکل می گیرد: هیچ بالایی بدون پایین وجود ندارد و خوب بدون بد معنا نمی دهد. به بیان دیگر معنا به واسطه تقابل‌هایی که میان دو واحد معنایی کمینه قائل می شویم، تولید می گردد. (سجودی ۱۳۸۷، ۱۱۵). در دهه ۱۹۶۰ این الگو گسترش بیشتری پیدا کرد تا یک بازنمایی بصری تحت عنوان «مربع نشانه‌شناختی» به دست دهد.

گریماس مربع نشانه شناختی را به عنوان ابزار تحلیل مفاهیم دوگانه متقابل معرفی کرد. این مربع احتمالات دلالت در یک نظام نشانه شناختی را غنی تر از منطق دوتایی این یا آن نشان می دهد. در چهار گوشه این مربع سلب؛ عدم سلب؛ ایجاب و عدم ایجاب قرار دارند. رابطه ایجاب/عدم ایجاب و سلب/عدم سلب از نوع مکملی یا استلزام است و رابطه میان سلب/عدم ایجاب و ایجاب/عدم سلب از نوع تناقض. ایجاب و سلب نشان دهنده حضور هستند و عدم ایجاب و عدم سلب نشانه غیاب. رابطه میان سلب و ایجاب نیز از نوع مغایرت یا تضاد تلقی می گردد. برای مثال در مورد جفت زیبا/زشت ۴ راس مربع عبارتند از: زیبا، زشت، غیرزیبا و غیرزشت. جفت زیبا/زشت فقط یک تقابل دوتایی نیست زیرا آنچه که زیبا نباشد لزوماً زشت نیست و آنچه زشت نباشد لزوماً زیبا نیست.

هر نشانه با اشغال یکی از موقعیت ها در چارچوب فوق معنادار می شود. فردریک جیمسون از این مربع برای آشکار ساختن سطوح پنهان معنا در رمان «روزهای سخت» دیکنز استفاده کرده است. ژیل ماریون نیز مربع گرماس را برای بیان چهار هدف در ارتباطات از طریق پوشاک به کار گرفته است: خواسته شده که دیده شود؛ خواسته نشده که دیده شود؛ خواسته شده که دیده نشود و خواسته نشده که دیده نشود.

گریماس تنها به نظام مند نمودن ظاهری متن اکتفا نکرده بلکه به دنبال فهم نظام مند بودن نهفته در متن می باشد. زیرا منشأ تحول و تکوین معنا را در متن می داند. او در جستجوی منشأ تکوین معنا، از عناصر ساده (ژرف ساخت) به واسطه تغییر و تحول به عناصر ظاهری (روساخت) می رسیم. گریماس که پژوهشگری روسی بود؛ مجبور شد شوروی را به مقصد فرانسه ترک کند و این روش کار در مکتب پاریس به حیات خود ادامه دهد.

از نظر گریماس معنا برای این که در رو ساخت متن هویدا شود، مسیری را از ژرف ساخت به روساخت طی می کند. این الگوی پیشنهادی گریماس "سیر زایشی معنا" نام دارد. در ژرف ساخت ها، ارزش های اولیه پنهان است که می توان آن را در یک قالب کلی ظاهر نمود. او این

واکاوی حرف تمثیلیت در قرآن کریم از منظر مربع معنائی..... ۳۳۱۱

نمای کلی را "مربع معنائی" نام گذاری نمود. این مربع به صورت منطقی، ارتباط عناصر معنایی و تفاوت‌های ظریفی را که بین این عناصر است را نشان می‌دهد.

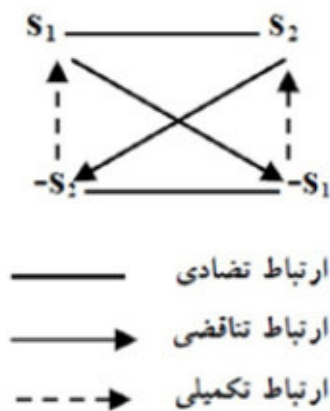
مربع معنائی نوعی باز نمود دیداری و واضح از مقوله‌ی معنا شناختی است، اما آنچه دستیابی به چنین باز نمودی را میسر می‌سازد، مطالعه‌ی همه جانبه‌ی فرایند پویای کلام است. در واقع، مربع معنائی با ژرف ساخت گفتمان مرتبط است. به بیان دقیق‌تر، می‌توان گفت که تمام ساختار روئایی گفتمان بر این ژرف ساخت که همان نقطه‌ی مرکزی گفتمان محسوب می‌شود، استوار است. پس منطقی است اگر بگوییم مربع معنائی قادر به فشردن و ساده کردن مباحث تجزیه و تحلیل کلام است. بی‌شک، آن چه به طور گسترده و بسیار جامع در بحث فرایند کلامی با ساختار روئایی کلام مورد بررسی قرار می‌گیرد، به کمک مربع معنائی به ساختاری کلی و بسیار خلاصه تبدیل می‌شود که فقط قلب گفتمان را نشانه می‌رود (شعیری، ۱۳۸۱، ۱۲۸).

مربع معنائی که گریماس آن را بنیان نهاد بر ارتباط مقوله‌ای استوار است. در معنائی، دو واژه که با یکدیگر در تضاد باشند، مقوله خوانده می‌شوند. نخستین گام در تشکیل مربع معنائی، داشتن دو متضاد است. از نظر گریماس دو واژه در صورتی متضاد هستند که حضور یکی عدم حضور دیگری را به دنبال داشته باشد. در زبان معنائی سنتی، بحث دو تایی‌ها مطرح بود که یا کوبسن برای این دو تایی‌ها دو نوع ارتباط قائل بود: ارتباط اول که وجود یکی لزوماً فقدان دیگری را طلب می‌کرد و نتیجه تضادی داشته مثل مرگ و زندگی. ارتباط دوم از مقوله "نه" به یکی نبود بلکه "یکی" و "غیر یکی" است بر همین اساس ارتباط بینا مقوله‌ای مطرح شد که گریماس را به سمت مربع معنائی هدایت کرد (شعیری، ۱۳۸۱، ۱۲۸).

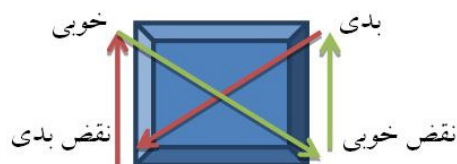
مربع معنائی گریماس از چهار قطب تشکیل شده است. دو قطب بالایی تشکیل دهنده‌ی مقوله‌ی اصلی یعنی گروه متضادهاست. با منفی کردن هر یک از متضادها دو قطب پایینی مربع شکل می‌گیرد که می‌توان آن را گروه نقض متضادها خواند (همان، ۱۲۹).

مربع معناشناسی، مربعی است کاملاً پویا، لذا برای به تصویر کشیدن پویایی و حرکت در کلام، به این روش روی آوردیم. تفکر حاکم بر این مربع، اساس حرکت را "نه" می‌داند. تا به چیزی "نه" نگوییم، نمی‌توانیم به سمت متضاد آن حرکت کنیم. پس بر اساس منطق حاکم بر این مربع، نمی‌توان از متضادی به سوی متضاد دیگر حرکت کرد؛ مگر این که ابتدا آن متضاد را نقض کنیم (معین، ۱۳۸۳، ۱۱۸).

مربع معناشناسی از ۴ واژه تشکیل شده است که می‌توان آن‌ها را به ۴ موقعیت روی مربع تشبیه نمود. از مجموع این ۴ موقعیت متقابل، ۳ نوع ارتباط حاصل می‌شود:
الف: ارتباط تقابل تضادی: بر روی محور تضادها یعنی بین دو واژه ی بالایی مربع وجود دارد.
ب: ارتباط تقابل تناقضی: بین یک متضاد و نفی آن ایجاد می‌شود.
ج: ارتباط تقابل تکمیلی: بین نفی متضاد و واژه ی مثبت برقرار می‌شود.



بر اساس این سه محور؛ متضادها، متناقضها و مکملها شکل می‌گیرد که می‌توان آن را در طرحواره زیر نشان داد:



واکوی حرف تَمَنی لیت در قرآن کریم از منظر مربع معنائی..... ۳۵۱۱۱

گریماس معتقد است که مقوله‌های متضاد در روایت، معناهای بنیادی را می‌سازند. در واقع با قراردادن جهان در ساختاری از قطب‌های متضاد، معنا بروز می‌کند. مربع معناشناسی گریماس با حرکت در میان تقابل‌های مطرح شده در روایت و رسیدن به کلیت معنایی، به تجزیه و تحلیل ساختارهای ژرف می‌پردازد (احمدپناه و جباری، ۱۳۹۳، ۷۸).

ارسطو عوامل تداعی معانی یعنی تبادر متوالی آن‌ها به ذهن را در سه مورد خلاصه کرده است: تشابه؛ تضاد و اقتران زمانی و مکانی (حامد، بی‌تا، ۳۹).

چیزی که در معناشناسی گریماس اهمیت دارد این است که این معناشناسی، معناشناسی تضادهاست و یعنی بحث فیلسوفان قدیمی ما "تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهِمْ" در معناشناسی گریماس یک اصل کلی است (شریفی، ۱۳۹۴، ۱۴۳).

۳,۳. شیوه‌های معناشناسی برای رسیدن به معنا

معناشناسی به گونه‌ای که امروزه در اروپا و به خصوص در فرانسه مطرح است؛ سه شیوه رسیدن به معنا در هنگام بررسی کلام را "کنشی؛ سودایی-عاطفی و شناختی" می‌داند (شعیری، مبانی معناشناسی نوین، ۱۴۵).

از دیگر سو، برای عامل کلامی می‌توان هویت دیگری در نظر گرفت، این هویت تأثیر پذیر از دو فعل موثر است؛ در این حالت، "توانستن" با "خواستن"، "دانستن" و "یا" بایستن" همراه می‌شود. اگر "توانستن" فقط با "خواستن" همراه شود، هویتی هیجانی می‌سازد: فرد بدون برنامه عمل می‌کند و هیچ تسلط منطقی بر عمل خود ندارد؛ اگر همین "توانستن" با "دانستن" همراه شود، هویتی منطقی شکل می‌گیرد. فرد روشمند و با برنامه ریزی عمل می‌کند و بر هر نوع حرکتی نظارت منطقی دارد؛ و در صورتی که "توانستن" با "بایستن" همراه شود، هویت اطاعت و فرمانبرداری یا اجبار شکل می‌گیرد. (همان، ۱۵۱ - ۱۵۲).

۴. گفتمان

گفتمان عمل یا فعالیتی است که به تولید گفته منجر می‌شود. از دیدگاه معنا شناختی، هر آن چه دریافت شدنی و درک شدنی باشد، متن است. معنا شناسی، متن را مجموعه‌ی داده‌ها و

پدیده هایی می داند که قابلیت تجزیه و تحلیل شدن را دارند، اما کلا، فعالیت یا عملیاتی است گفتمانی که به تولید گفته منجر می شود (شعیری، ۱۳۸۱، ۴۱).

شعیری درباره گفتمان به یک جمع بندی می رسد. از نظر او هر گفتمان دو نوع ساختار دارد: یکی "ساختار روایتی یا روئایی" که آن را فرایند پویای کلام نامیده و "ساختار معناشناسی یا ژرف ساخت گفتمان" که آغازگر مطالعات پیرامون ارتباط و گفته پردازی و بی ثباتی معنا می باشد (همان، ۱۳۴). در ژرف ساخت گفتمان که این تحقیق، حول محور آن است، ساختار نحوی و معناشناختی هر دو هم زمان بروز می کنند که این هم زمانی در مربع معناشناسی تجلی یافته است.

۴-۱. عوامل گفتمانی

معنا شناسی به دنبال بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در گفتمان است. تولید و دریافت دو نکته کلیدی در بحث معنا است. واژه ی تولید با مسوول گفتمان یعنی "گفته پرداز" و واژه دریافت با مخاطب گفتمان و دریافت کننده یعنی "گفته خوان" روبرو می کند.

بنابراین عوامل گفتمانی عبارتند از: گفته؛ گفتمان، گفته پرداز و گفته خوان.

گفته در گفتمان اهمیت زیادی دارد. میان گفته پرداز و گفته خوان ارتباط مستقیم نیست بلکه واسطه می خواهد که گفته واسطه ی میان این دو است و محصول فعالیت گفته پرداز. گفتمان عمل یا فعالیتی است که منجر به تولید گفته می شود. و گفته پرداز کسی است که از توانش معنایی برخوردار است. توانش معنایی نخستین گام گفته خوان برای ارتباط با گفته است. اما این توانش باید کیفی باشد تا ارتباط برقرار شود. گفته خوان کسی است که از طریق موضوع معنا دار یا گفته، با گفته پرداز مرتبط می شود (شعیری ۱۳۸۱ ص ۵۰).

۴-۲. هدف مندی گفتمان

امروزه زبان شناسان معتقدند که دیگر نمی توان گفتمان را محدود به ایجاد شناخت دانست، بلکه باید آن را به فرایندی تشبیه نمود که قادر است در گفته خوان نسبت به موضوعی که در مقابلش قرار گرفته است، ایجاد باور کند. گاه راهبردی را دنبال می کند که بر حسب شرایط به

واکوی حرف تَمَنی لیت در قرآن کریم از منظر مربع معنائی..... ۳۷۱۱۱

متقاعد کردنش منجر شود. زیرا ایجاد باور با متقاعد کردن فرق دارد. ایجاد باور زمانی شکل می‌گیرد که گفته خوان نسبت به موضوع ارائه شده از طرف گفته‌پرداز باور دیگری را در تقابل قرار ندهد. یعنی چالشی وجود ندارد فقط باید در گفته‌خوان واکنش مثبت ایجاد کرد. این در حالی است که در متقاعد کردن باید نسبت به باور قبلی در گفته‌خوان تردید ایجاد نمود سپس باور جدید را در او تحقق بخشید (شعیری، ۱۳۸۵، ۲۴).

ژوزف کورتز معنائشناس فرانسوی تاکید دارد که گفته پرداز با تأثیر بر گفته‌خوان به گونه‌ای عمل می‌کند که او را معتقد و طرفدار خود سازد (شعیری، ۱۳۹۶، ۲۵).

۳-۴. بعدشناختی گفتمان

شناخت از دیدگاه نشانه-معنائشناسی نوین، جریانی تعاملی است و چرخه‌ی آن تولید، انتقال، دریافت، بازتاب، پذیرش، رد، کندی یا سرعت عرضه، تغییرات، تداوم یا حذف و جایگزینی است و هر یک از شرکای عمل گفتمان در آن سهمیم هستند. بنابراین بعد شناختی گفتمان، جریانی است که چرخه‌ی اطلاعات و بروز آن را وابسته به جریان تعاملی و فعال می‌داند. در جریان شناختی دو ابزار مهم تأثیرگذاری شناختی عبارتند از "مجابی" و "تفسیری" که در اولی، عامل اصلی همان گفته پرداز (متکلم) است و در دومی، عامل اصلی و مؤثر، گفته‌خوان (مخاطب) (شعیری، ۱۳۹۵ ص ۶۴).

۴-۴. بعد عاطفی گفتمان

گریماس و فونتنی در کتاب معنائشناسی عواطف، معتقد به فضای تنشی هستند که بر اساس آن شرایط عاطفی گفتمان تنظیم می‌شود. ژاک فونتنی معتقد است که طرح ساختمان بعد عاطفی کلام که سازماندهی فرایند عاطفی گفتمان را به عهده دارد، به اجتماع دو سطح عاطفی یعنی سازه‌ها و تنش‌ها بستگی دارد. سازه‌های عاطفی که همان افعال مؤثر و نمایه‌های تنشی که همان فشاره‌های عاطفی هستند، آهنگ و نقطه اتکا در فرایندهای عاطفی را مشخص می‌نمایند. بنابراین افعال مؤثر، ریتم و نمود، بیان جسمی، صحنه‌های عاطفی، عمق یا سکون از عوامل مهم در تولید گفتمان عاطفی هستند و پایه و اساس روند بحث و بررسی ما را برونه‌ها (صورت‌های

بیان یا دال‌ها) و درونه‌ها (صورت‌های محتوا یا مدلول‌ها) تشکیل می‌دهند و از رابطه تعاملی آن‌هاست که نظام عاطفی گفتمان شکل می‌گیرد (شعیری، ۱۳۹۵، ۱۸۱ - ۱۸۲).

۴-۵. بعد زیبایی شناختی گفتمان

شعیری در کتاب تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان بر این گفته گریماس و کورتز اشاره می‌نماید که فعالیت زیبایی شناختی جریانی است که در آن معنا به عنوان عنصری منعطف جلوه می‌کند. این انعطاف نتیجه‌ی رابطه‌ای تعاملی بین انسان و دنیاست.

در نظریه‌های گرمس، این حضور جسمانه‌ای و پدیداری در نظامی زیبایی شناختی تجلی می‌یابد که به دو گونه قابل توصیف است: ۱) در بررسی گفتمان‌ها در جستجوی لحظاتی زیباساز هستیم که در آنها امکان دریافت معنا از طریق جلوه‌ی شهودی که از هستی معنا سرچشمه می‌گیرد، وجود دارد. ۲) جلوه‌ی شهودی خود مبتنی بر فاصله و جدایی بین وجود و ظاهر و یا هستی و تجلی آن است. چنین فاصله‌ای را گرمس نقصان معنا و یا «نقصان هستی» معنا می‌خواند. به دیگر سخن، در برخورد با هر نشانه‌ای ما فقط قادر به دریافت جلوه‌ی ظاهری آن هستیم و این در حالی است که قادر به دریافت هستی و جوهر آن نشانه نیستیم. همین عدم توانایی سبب نقصان هستی معنایی در دریافت می‌گردد که منشأ اصلی نظام زیبایی شناختی و مقدم بر هر رابطه حساس نشانه-معنایی است. و آنچه که این دو اصل را محقق می‌سازد همان حضور جسمانه‌ای یعنی حضور احساس مدار و شهودی شوش‌گری است که راه نفوذ دنیا بر او و او بر دنیا همواره گشوده است (شعیری، ۱۳۹۵، ۱۹۴ - ۲۰۳).

فرآیند زیبایی شناختی فعالیت است که بیش از آنکه ساز همراه و موافق بنوازد، ساز مخالف را به صدا در می‌آورد. به دیگر سخن، تولید گونه‌ی زیبایی شناختی یعنی ایجاد شوک و بر اثر چنین شوکی است که ما از گونه‌های معمول و رایج زبانی فاصله گرفته و با گونه‌های جدیدی مواجه می‌شویم که با آرشیه‌های شناخته شده زبانی هماهنگی ندارند و از جمله این گفتمان‌ها، آیات حاوی "یا لیت" می‌باشد.

۶. حرف تمنی لیت

واکوی حرف تمنی لیت در قرآن کریم از منظر مربع مناشئای..... ۳۹۱۱۱

لیت آشکارترین لفظ برای تمنی است و حرفی است که به تمنی کننده متعلق بوده و کمتر ممکن الوقوع است. از نظر نحویان؛ خواستن چیزی محبوب است که امیدی به دستیابی آن نیست و یا به سختی امکان دارد. در پشت لیت عطشی پنهان است که سیراب نمی‌شود. این حرف، آرزوهای حبس شده و آرزوهایی که راهی برای رسیدن به آن‌ها نیست را توصیف می‌نماید. گرچه برخی ادات تمنی ممکن است از معنای خود خروج کرده باشند اما این در مورد "لیت" صادق نیست. بلاغیون در هیچ کجا در مورد افاده‌ی "لیت" در غیر معنای تمنی سخن نگفته‌اند.

۱.۶. لیت "های قرآن"

در قرآن کریم مجموعاً در ۱۴ آیه از حرف تمنی "لیت" به اشکال مختلف به کار رفته است. این "ای کاش‌های" قرآنی از نظر مصداق، به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف: دنیوی؛ ب: اخروی. و این دو دسته در تقسیم بندی دیگری از نظر معنا و مفهوم به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف: ایجابی؛ ب: سلبی.

الف: دنیوی با ۴ آیه:

۱. تمنی نمودن آنچه که از دست رفته و تمام شده است. «وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» (نسا: ۷۳)

ترجمه: و اگر غنیمتی از خدا به شما برسد - چنانکه گویی میان شما و میان او [رابطه] دوستی نبوده - خواهد گفت: «کاش من با آنان بودم و به نوای بزرگی می‌رسیدم (فولادوند، ۱۳۹۴).
خبر دادن از آینده به حالتی که تحقق یافته با آوردن قرینه‌ی "لیقولن" که دلالت بر آینده و تجدد می‌نماید. از بعد شناختی گفتمان، ایجاد باور و القاء آن به مخاطب و نیز از جنبه‌ی عاطفی، قرار گرفتن "یا لیتنی" میان دو واژه‌ی مثبت "مودت" و "فوز"، انگیزه و شوق را تحریک می‌نماید.

اشاره تلویحی به مال دوستی و گم شدن در ثروت، کم اراده بودن برای جهاد و شوق دست یابی به غنائم در جهاد که از نشانه های ضعف ایمان است. این در شرایطی است که مخاطب امروزی کلام مقدس، قبل از قرار گرفتن در چنین شرایطی، با این موقعیت طراحی شده در آیه برخورد می کند و به او آزادی انتخاب داده می شود. مخاطب این گفتمان، در عین این که تمام شرایط موجود را می بیند و قدر تکذیب هم دارد، ناگهان در مقابل آیه ای قرار می گیرد که مکنونات درونی او را هویدا نموده و او را خلع سلاح می نماید. و این نوعی اعجاز است که درونیات مخاطب را از زبان مخاطبانی که سعی در پنهان نمودن انگیزه ی اصلی خود دارند، به دقیق ترین شکل بیان می کند.

اگر به عمق معنایی این آیه توجه شود، در پس لایه های آن، می توان شاهد صحنه ی زیبایی از گفتمان برای تاثیر بر مخاطب بود؛ در عین این که با ترسیم تقابل ها در آن، با مربع معناشناسی گرماس می توان درک عمیق تری از معنا را بدست آورد و مربعی این چنینی در ذهن متبادر نمود:

مربع معناشناسی آیه ۷۳ سوره مبارکه نساء: تقابل فوز اخروی با فوز دنیوی که مخاطب را به نقض فوز دنیوی برای رسیدن به فوز اخروی رهنمون می گردد.

۲. تمنی در سیاق حسرت و ندامت

۳. «وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا» (کهف: ۴۲).

ترجمه: [تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه هایش را فرو گرفت. پس برای [از کف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود، دستهایش را بر هم می زد در حالی که داربست های آن فرو ریخته بود. و [به حسرت] می گفت: «ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی ساختم» (فولادوند، ۱۳۹۴).

در این آیه هم با آمدن فعل مضارع "يقول" که دلالت بر تجدد دارد، صحنه ای از نتیجه ی عمل را نشان می دهد تا مخاطب عصرها و نسل ها آن را به صورت ملموس دریابند. در اینجا تصویر

واکاوی حرف تمنی لیت در قرآن کریم از منظر مربع معناشناسی..... ۴۱۱۱۱

سازی زیبایی در گفتمان رخ داده است که دست برهم زدن و فرو ریختن داربست‌ها جلوه‌ی ظاهری حسرت را نشان می‌دهد.

آوردن کلمه‌ی "ثمر" که به معنای «میوه‌ای است که درخت حمل می‌کند و هر نوع مال و فرزند را ثمر می‌گویند» (فراهیدی، ۴۱۰، ۲۲۳). و «میوه، حاصل و نتیجه درخت است و فرزند و نسل، حاصل و نتیجه پدر» (ابن منظور، ۱۲۹۰، ۱۰۶). و به طور کلی به نتیجه اطلاق می‌گردد، شمول معنایی زیادی به آیه داده است. از منظر مربع معناشناسی می‌توان ثمره‌ی غرور و خودبینی و عدم توجه به نصیحت برادر مومن را این‌گونه بررسی نمود تا برای مخاطب، پیام لایه‌های درونی از ژرف ساخت متن مقدس هویدا گردد:

مربع معناشناسی آیه ۴۲ سوره مبارکه کهف: تقابل توبه با سرمستی که مخاطب با نقض سرمستی به توبه توان رسید و با نقض توبه گرفتار سرمستی و غرور خواهد شد که نتیجه حسرت و ندامت است.

۴. تمنای مرگ بخاطر ترس از فتنه (در این آیه ممدوح است چون به درجه‌ای از تقدس رسیده که مرگ را بر بی‌آبرویی ترجیح می‌دهد):

«فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا
مَنْسِيًّا» (مریم: ۲۳)

ترجمه: تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرما می‌کشاند. گفت: «ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم» (فولادوند، ۱۳۹۴).

در این آیه‌ی شریفه از طریق تمنی، تصویری دقیق از احساسات و عواطف حضرت مریم به نمایش گذاشته شد. زیرا آرزوها از دروئیات انسان پرده بر می‌دارد در حالی که مریم دارای صبر و ایمان بود اما شدت فتنه و فشار به گونه‌ای بود که چنین آرزو کند تا آبروی خانواده‌اش حفظ شود. تمنی دنیوی در این آیه ممدوح است چون سختی زایمان برای باکره و ترس از زخم زبان مردم را بیان می‌دارد. در این صحنه، مخاطبان آیه با شرایط اجتماعی و فرهنگی و فشار عاطفی ناشی از آن روبرو هستند. آوردن جمله‌ی "أجاءها المخاض" بر شدت درد

حکایت دارد که اختیار از وی سلب شده و آمدن افعال ماضی در آیه، نویدی از جانب گفته پرداز اصلی (ذات اقدس) است که چنین دردی گذرا و رفتنی است. این آیه که اوج درد و شرم را نشان می‌دهد، در واقع روایتی کامل از شرایط حاکم را در کوتاهترین عبارت بیان می‌کند و باور مریم به نتوانستن و اراده‌ی خداوند بر تغییر این باور و تأثیر ایمان در تبدیل تنه‌ی بی‌ثمر به نخل بارور را به زیبایی نشان می‌دهد.

مربع معناشناسی آیه ۲۳ سوره مبارکه مریم: در این مربع تقابل ایمان و شدت درد و بی‌آبرویی به خوبی هویداست که ممدوح است و نقض تصور بی‌آبرویی به ایمان و اطاعت محض منجر می‌شود.

۵. تمنی در سیاق فریب خوردن ظواهر دنیوی

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: ۷۹)

ترجمه: پس [قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد؛ کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می‌شد، واقعاً او بهره بزرگی [از ثروت] دارد (فولادوند، ۱۳۹۴).

در این آیه که ابتدا صحنه نمایش و گفتمان و جلوه‌ی بصری آن با کلمه‌ی "زینة" ترسیم شده است، و نشان‌گر سرمستی از قدرت و مغرور شدن به مال دنیا توسط کسی که از قوم بنی اسرائیل بوده و نمونه‌ی عملی حب دنیا را در منظر نظر می‌آورد، با آوردن فعل "یریدون" این خواسته را به مخاطبان عصور بعد نیز تعمیم می‌دهد. بیان آرزوی دنیوی از جانب افراد کم‌ایمان و دنیاپرست و ظاهرین مطرح می‌شود باور او را بر خوشبختی ظاهری بیان می‌کند و آرزوی توانستن برای خود می‌نماید اما مخاطب آیه که به "عدم حظ" قارون باور دارد و آن را چون آینه‌ی عبرت می‌بیند، از تقابل معنایی دانستن سرنوشت قارون و ذو حظ بودنش به لایه‌ی درونی آیه که تنبه و آگاهی دادن است پی می‌برد. در این گفتمان که بر پرده‌ی نمایش است،

واکوی حرف تَمَنیٰ لیست در قرآن کریم از منظر مربع معنائی... ۴۳۱۱۱

با دانستن پایان داستان، مخاطب به نتیجه و هدف غائی پیام دست می‌یازد و این مربع معنایی در ذهنش متبادر می‌گردد.

مربع معنایی آیه ۷۹ سوره مبارکه قصص: تقابل تعلق به مال دنیا و گمراه شدن با ایمان به منعم حقیقی و انفاق، که مخاطب را به سمت نقض تعلق به جیفه‌ی دنیوی روانه می‌نماید.
ب: ای کاش‌های اخروی (با ۱۰ آیه، بیشترین شمول را دارد):

۱. **تمنی که متضمن وعده‌ی دروغ است:** «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انعام: ۲۷)

ترجمه: و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می‌شوند، می‌دیدید که می‌گویند: «کاش بازگردانده می‌شدیم و [دیگر] آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم (فولادوند، ۱۳۹۴).

در این آیه خداوند پیامبرش و امتش را مخاطب قرار می‌دهد تا صحنه‌ای از قیامت را ببینند و آن‌چه را که کافران تکذیب می‌کنند، برایشان از نزدیک به تصویر می‌کشد و جواب لو را حذف می‌کند تا کلام در ذهن شنونده به بهترین و کامل‌ترین شکل، پرداخته شود؛ با آوردن "إذ" که دال بر گذشته است، تحققش را به یقین برساند. در این گفتمان، هولناکی صحنه با آوردن فعل مجهول "وَقَفُوا" به زیبایی به تصویر کشیده می‌شود و مشرکانی که در این شرایط به اوج ناامیدی رسیدند، فریاد بر می‌آورند "یا لیتنا" که حکایت از تحسر دارد و امید به بازگشت دارند و سه چیز می‌خواهند: "نود"؛ "لا نکذب" و "نکون". (؛خواستن؛ باور داشتن و توانستن). پس "دانستن" به باور و القاء نزدیک شده و راه "توانستن" گریز از مهلکه نیز به زیبایی در کلمه‌ی پایانی آیه بیان می‌شود تا مربع معنایی و تقابل میان نقیضین، مسیر هدایت را به مخاطب نشان دهد. رسیدن از ترس به یقین و از یقین به ایمان حقیقی از اضلاع این مربع می‌گذرد.

۲. **تمنی در سیاق اعتراف به گناه در گرفتاری‌ها و رنج‌ها**

«وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» (فرقان: ۲۷)

ترجمه: و روزی است که ستمکار دستهای خود را می‌گزد [و] می‌گوید: «ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم (فولادوند، ۱۳۹۴).

«يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» (فرقان: ۲۸)

ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم (فولادوند).

خداوند در این دو آیه صحنه‌ای را ترسیم نمود که در آن ترس و وحشت و پشیمانی هویدا است. نمایشی زنده با حرکات نمادین مانند گزیدن دست که شدت تحسر در آن وجود دارد. مخاطب با خواندن این دو آیه و برانگیخته شدن عواطفش، بشدت نگران شده و متنبه می‌گردد. در آیه‌ی ۲۷ به صورت زنده و ملموس از حالات درونی افراد ظالم پرده برداشته شده است.

یعض از ماده عض (بر وزن سد) به معنی گاز گرفتن با دندان است و معمولاً این تعبیر در مورد کسانی که از شدت حسرت و تاسف ناراحتند به کار می‌رود، چنانکه در فارسی نیز ضرب المثل است که فلان کس انگشت حسرت به دندان می‌گزید (ولی در عربی به جای انگشت، دست گفته می‌شود و شاید رساتر باشد چون همیشه انسان در چنین حالاتی انگشت نمی‌گزد بلکه گاه پشت دست را می‌گزد مخصوصاً در عربی بسیار می‌شود که همچون آیه مورد بحث یدیه یعنی هر دو دست، گفته می‌شود که شدت تاسف و حسرت را به طرز گویاتری بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۷۰ / ۱۵).

فعل مضارع "یعضُّ" این ندامت را همیشگی و در جریان نشان می‌دهد و آرزوی همراهی با الگوی این گفتمان را دارد. که برای ظالم در آن جایگاه امری غیرممکن است چون رجعتی ندارد اما برای گفته خوان که شاهد این گفتمان است، تحقق پیروی از اسوه‌ی حسنه، امری ممکن می‌باشد. گفتمان تمنی در این آیه توانسته به زیباترین شکل ممکن، باور و خواستن را به منصفی ظهور برساند.

واکوی حرف تمنی لیست در قرآن کریم از منظر مربع مناشئ، ۴۵۱۱۱

از لطایف تعبیرات قرآن تعبیر در آیه " **يا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ ...**" (فرقان / ۲۷) است که در آیه بعد " **يا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ ...**" (فرقان / ۲۸) با همین مفهوم؛ اما با «ویل» همراه شده است. چون در این تعبیر در ندا و استغاثه، تدرجی لطیف به کار رفته، در آیه اول منادی حذف شده، اشاره به اینکه او نجات دهنده‌ای می‌خواهد که او را نجات دهد، هر که باشد، و آوردن کلمه "ویل" در این آیه می‌فهماند که برای او روشن شده که دیگر کسی نیست او را از عذاب نجات دهد، و جز هلاکت و فنا دادرسی ندارد، و به همین جهت ندایش را با ویل اداء می‌کند (ترجمه المیزان، ۱۵ / ۲۸۲).

مربع معنایی آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه فرقان: این دو آیه که کنار هم آمده در واقع هر کدام یک ضلع مربع را شامل می‌شود و همراهی پیامبر و اسوه حسنه و عدم همراهی اسوه سیئه. اسوه حسنه با اسوه سیئه در تناقض معنایی هستند. بودن با یکی نقض بودن با دیگری است و آشکار بودن سرانجام یکی از طرفین، سرانجام دیگری را اثبات خواهد نمود و مخاطب در این چالش فکری که در گفتمان رخ داده بین باور و دانستن و به القاء و توانستن می‌رسد. و خواستنی که در مسیر شکل گرفته، نتیجه‌ی این گفتمان تأثیر گذار عاطفی است.

۳. تمنی در سیاق یأس و ناامیدی

۴. «يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ» (احزاب: ۶۶)

ترجمه: روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیرورو می‌کنند، می‌گویند: «ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم» (فولادوند)

این آیه به عدم اطاعت از خدا و رسولش اشاره دارد و پیامد ناشی از آن را برای تنبه مخاطب بیان می‌نماید. چند نکته در این آیه جالب توجه است: مضارع آمدن "تَقَلَّبُ" و "يقولون" که دال بر استمرار دارد؛ وجود تقابل تضادی میان به دوزخ افتادن و اطاعت از خدا و رسول؛ آوردن لفظ "وجوه" برای تخصیص تا شدت وحشت را نشان دهد؛ تکرار فعل "اطعنا" تا بر مهم بودنش تأکید نماید.

در این گفتمان قرآنی؛ از زبان دوزخیان صحنه ای از دوزخ به نمایش گذاشته می شود تا مخاطب با تصور صحنه ی رنگ به رنگ شدن چهره در آتش، عذاب در ذهن به گونه ای متبادر شود که عاطفه و احساسش بشدت درگیر گردد و با آوردن لفظ "أطعنا" و تکرار آن از تلخی عذاب به حلاوت پیروی از خدا و پیروی از رسولان پناه ببرد و آرزوی محال عذاب شوندگان را برای خود ممکن نماید.

بنابراین در مربع معناشناسی آیه ۶۶ سوره مبارکه احزاب: عذاب در آتش در تقابل تضادی با اطاعت از خدا و رسولانش قرار گرفته و این اطاعت ثمره اش به رهایی از این عذاب دردناک و نقض آن منجر شود.

۵. تمنی که بیانگر راستی و اخلاص است

«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» (یس: ۲۶) ترجمه: [سرانجام به جرم ایمان کشته شد، و بدو] گفته شد: «به بهشت در آی.» گفت: «ای کاش، قوم من می دانستند» (فولادوند).

این تمنی ممدوح است زیرا مؤمن آل فرعون بخاطر عدم ایمان قومش و از سر دلسوزی بیان نموده است تا به درجه ی او پی ببرند که با وجود کوتاهی زمان ایمانش، غفران الهی شامل حال او شده است.

در این گفتمان، مخاطب شاهد نمایش قدرت ایمان در مغفرت مومن می باشد. باز در این صحنه از متن مقدس شاهد پند غیر مستقیم و نمایش نتیجه ی ایمان هستیم تا شوق و رغبت در مخاطب برانگیخته شود و آوردن فعل "يعلمون" یعنی دانستن فرجام نیک و خواستن آن قطعا می تواند منجر به توانستن گردد و این گفتمان منتج به نتیجه ی مثبت شود.

مربع معناشناسی آیه ۲۶ سوره یس: تقابل تضادی بهره مندی از بهشت و عدم شناخت مسیر ایمان می باشد که نقض نادانی به کمال بهره مندی منتج خواهد شد.

۶. تمنی در سیاق مقابله و موازنه

واکوی حرف تمنی لیت در قرآن کریم از منظر مربع معنانشناسی، ۴۷۱۱

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ» (زخرف: ۳۸)

ترجمه: تا آنگاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید، [خطاب به شیطان] گوید:

«ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود، که چه بد دمسازی هستی!» (فولادوند).

این آیه به همراهی و همنشینی با کسانی که باعث دوری از خدا می‌شوند، اشاره دارد و آرزو می‌کند کاش با آنان نبوده است و برای نشان دادن شدت بیزاری بجای فاصله‌ی مکانی از فاصله‌ی زمانی استفاده می‌کند اما بی‌فایده است بنابراین بعد از تمنای دوری از او، بدترین همنشینش می‌خواند.

در این گفتمان، گفته پرداز ذات اقدس است که از حالت کافر در محضرش سخن می‌گوید و صحنه‌ی نمایش به گفتگو میان کافر و شیطان تغییر می‌کند تا شدت تنفر کافر از همنشینی با شیطان به شکلی ملموس بیان شود. یعنی کافر در آن مرحله به دانستن می‌رسد و باور می‌کند که همراهی با همنشین بد باعث تنزل مقامش شده است پس با این عبارت به مخاطب اصلی که خواننده‌ی متن مقدس است القاء می‌کند که دور شدن از همنشین بد منجر به دستیابی به رضایت الهی می‌شود.

مربع معنانشناسی آیه ۳۸ سوره مبارکه زخرف: همنشین بد در تناقض با لقاء الهی است و نقض این همنشینی، منتج به کسب رضایت الهی می‌گردد.

۷. تمنی در سیاق کشف راز و بی‌آبرو شدن نزد خلق

«وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ» (الحاقة: ۲۵)

و اما کسی که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود، گوید: «ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم (فولادوند، ۱۳۹۴).

در این سوره مبارکه دو بار از لفظ "لیت" استفاده شده است و هر دو در مورد امور اخروی می‌باشد. در آیه‌ی ۲۵ بعد از دریافت نامه‌ی اعمال، آرزو می‌کند کاش آن را دریافت نکرده بود. مسأله اینجاست که دریافت کننده با "دانستن" مضمون نامه که از کلمه "شمال" استنباط می‌شود، از "عدم توانایی" خود نالان است.

بدون باز شدن نامه، اسرار درون نامه با دستی که دریافت کننده بوده، هویدا شد و تجسم این صحنه برای مخاطب آیه بسیار سخت است. با گرفتن نامه به دست چپ، و نقیض آن که آرزوی نگرفتن است مربع معناشناسی زیر تشکیل می‌شود.

مربع معناشناسی آیه‌ی ۲۵ سوره مبارکه الحاقه: دریافت نامه‌ی اعمال به دست چپ با نقیض آن، نگرفتن نامه آمده است که در صورت گرفتن نامه، بی‌آبرویی و عذاب رخ می‌دهد و با آرزوی نگرفتن نامه، حفظ آبرو می‌شود. با علم به این که هنوز قیامت برپا نشده و برای مخاطب کتاب مقدس، شرایط تغییر محتوای نامه و در نتیجه دریافت با "یمین" فراهم است.

۸. تمنی در سیاق تحسر و تندم

«يَا لَيْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ» (الحاقه: ۲۷)

ترجمه: ای کاش آن [مرگ] کار را تمام می‌کرد (فولادوند، ۱۳۹۴).

این آیه که با یک فاصله از حرف تمنی در آیه‌ی قبل آمده است، تمنی دیگری است که به تمنی قبل عطف نشده است زیرا مقصود تحسر و تندم است (تفسیر التحرير و التنوير، ۱۳۵/۲۹). در مورد مرجع ضمیرها در لیتها اختلاف نظر وجود دارد. قول اکثر "الموته الاولى" است اما برخی مرجع را "الحاله" یا "المصيبة" گویند (تفسیر اهل بیت، ۵۴۳/۱۶).

مربع معناشناسی آیه‌ی ۲۷ سوره مبارکه الحاقه: حیات اخروی که نقیض آن مرگ بدون حسابرسی است. حالت موجود در آیه (دریافت نامه‌ی اعمال به دست چپ) که تقابل تضادی با مرگ بی‌حسابرسی دارد و تقابل تکمیلی آن ایمان به حیات اخروی می‌باشد.

۹. تمنی در سیاق از دست دادن احساس و اراده از شدت ترس و آسیب

«إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي

كُنْتُ تَرَابًا» (النبا: ۴۰)

ترجمه: ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم: روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگردد؛ و کافر گوید: «کاش من خاک بودم» (فولادوند، ۱۳۹۴).

واکوی حرف تمنی است در قرآن کریم از منظر مربع معنانشناسی..... ۴۹۱۱۱

سوره مبارکه النبأ که خبر عظیم قیامت را می‌دهد ابتدا به صورت مستقیم هشدار می‌دهد و صحنه قیامت را میدان‌گاه اعمال افراد می‌شمارد و مردمان را نظاره‌گران این توشه‌های فراهم شده خود، و سپس در گوشه‌ای از صحنه به درونیات انکار کنندگان قیامت اشاره‌ای زیبا دارد که آرزو می‌کند ای کاش خاک باشد و این دو تعبیر دارد: الف: اصلاً خاک وجودی او به صورت انسان سرشته نشده بود و کلاً خلق نمی‌شد؛ ب: حیات اخروی وجود نداشت و جسمی که تبدیل به خاک شده، حیات دوباره و روز حساب را تجربه نمی‌نمود. در هر یک از دو حالت، "ای کاش" در این آیه، ندامت زیادی در خود نهفته دارد. موجودی که از غرور و تکبر سر به آسمان می‌سایید، آرزو می‌کند بی‌ارزشترین چیز شود و یا اصلاً خلق نشده بود. مربع معنانشناسی آیه ۴۰ سوره مبارکه النبأ: عدم قبول مسوولیت انسان بودن نقیض آن حضور در جمع آدمیان و قبول مسوولیت اعمال می‌باشد حالت موجود در این صحنه، آرزوی مسوول نبودن است که تقابل تضادی این دو را شکل می‌دهد و تقابل تکمیلی این اضلاع، قبول مسوولیت اعمال است.

۱۰. تمنی در سیاق کشف حقایق: «يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي» (فجر: ۲۴)

ترجمه: گوید: «کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم» (فولادوند، ۱۳۹۴). با دانستن نتیجه عمل و دیدن سزای کار، به تلاش برای انسان بودن و قبول مسوولیت انسانی در قبال اعمال و رفتار تشویق می‌شود. و چنین مربع معنایی شکل می‌گیرد: مربع معنایی آیه ۲۴ سوره میار که فجر: کار نیک و دیدن نتیجه، نقیض آن انجام ندادن اعمال نیک و دست خالی بودن در قیامت است. تقابل میان انجام کار نیک و عدم انجام آن، تقابل تضادی میان آن‌ها و وضع موجود رخ می‌دهد که تقابل تکاملی آن‌ها انجام کار نیک و عدم انجام نیکی و بهره‌مندی از ثمره‌ی آن است.

۶,۲. عناصر افعال چهارگانه در گفتمان "لیت" در قرآن

در گفتمان "لیت" تنها یک هویت "خواستن" در ظاهر هویداست که اگر با هویت "توانستن" که به شناخت توانمندی‌های متمنی بر می‌گردد و "دانستن" نتیجه کار و "بایستن"

از سوی نیروی نهفته در گفتار، همراه شود می‌توانند نمایشی زیبا را بر صحنه آورند. در این صحنه، متمنی، که در عین حال مخاطب هم هست، چیزی را تمنی می‌کند؛ حال اگر آن از امور دنیوی باشد، "بایستن" آن فقط از هوس و خواهش نفسانی است و اگر اخروی باشد "بایستن" نتیجه‌ی تفکر و دانش کنونی او شکل می‌گیرد. در این کشاکش میان شخصیت‌های مختلف که در درون گفته‌خوان این گفتمان در جریان است؛ شاهد جلوه‌ای زیبا از گفتمان نیکی و بدی هستیم که کارکردی بس قوی در مقایسه با عبارات خبری دارند.

نتایج مقاله

نویسندگان این نوشتار در تلاش بودند که با استفاده از روش‌های نوین معناشناسی، راهی هموار برای درک کتاب آسمانی قرآن، پیش روی نسل جوان قرار دهند زیرا این سخن گهربار را با تمام وجودشان باور دارند: «امام صادق می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُثْرِلْهُ لَزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خداوند قرآن را برای زمان یا مردم خاصی نازل نکرد. از این رو، در هر عصری جدید و تازه و برای هر قومی، باطراوت است تا روز قیامت» (عیون اخبار الرضا، ۲/ ۸۷ ح ۳۲). مسیری که نویسندگان طی نمودند تا این سخن را به باور همگانی برسانند از مسیر مکتب پاریس و بنیانگذارش گریماس می‌گذرد. مربع معناشناسی گریماس در فهم جملات حاوی مربع معنایی و گفتمان جاری در آن‌ها بسیار تأثیر گذار است.

از سویی دیگر با بررسی گفتمان "ای کاش‌ها" در قرآن کریم، شاهد نمایشی زیبا هستیم که در آن گفته‌خوان (مخاطب) را به چالشی پرمفهوم می‌کشاند تا در آن میان به هدف غائی خود که همان هدایت انسان در تمام عصرها و نسل‌هاست، دست یابد. و مجموع این شگردهای قرآنی در جلب نظر مخاطب است که آن را برای تمام دوران‌ها تازه و با طراوت حفظ می‌نماید.

واکوی حرف تمّنی لیست در قرآن کریم از منظر مربع معناشناسی..... ۵۱۱۱۱

مربع معناشناسی این آیات نشان می‌دهد که آرزوی محال که امر عبث و دون فائده می‌باشد در کلام وحی جایی ندارد و هدفی بزرگ در اتیانش نهفته است. امید که با غور بیشتر در آیات و سور به مفاهیم بیشتری در پژوهش‌های پیش رو دست یازیم.

کتابشناسی

القرآن الکریم.

ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۹۸۴م). *التحریر و التنویر، الدار التونسیه للنشر*.

ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۲۹۰ق). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

اچسون، جین. (۱۳۷۱ش). *مبانی زبان شناسی*، ترجمه‌ی محمد فائض، تهران: نگاه.

اچسون، جین. (۱۳۷۶ش). *زبان شناسی همگانی*، ترجمه‌ی حسین وثوقی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی.

احمد پناه، سید ابوتراب و جباری، انسیه. (۱۳۹۳ش). *تحلیل نگاره بارگاه کیومرث از سلطان محمد بر اساس*

الگوی کنشی و مربع معناشناسی گرمس، فصلنامه پژوهشی هنر، ۴، (۷): ۷۵-۸۶

اسماعیلی، عصمت، حمیدرضا شعیری و ابراهیم کنعانی، رویکرد نشانه- معناشناختی فرآیند مربع معنایی به

مربع تنشی در حکایت دقوقی، نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال ششم، شماره سوم،

پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان، صص ۶۹-۹۴.

اناری بزچلوئی و زهرا شیخ حسینی. (۱۳۹۴ش). *متناسب سازی نظریه «مربع معناشناسی» در قرآن کریم*،

دوفصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان شناختی قرآن»، سال چهارم، شماره دوم، پاسسز و زمستان،

پیاپی ۸.

برازش، علیرضا. (۱۳۹۴ش). *تفسیر اهل بیت*، امیر کبیر.

پاکتچی، احمد و همکاران، درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی، بهار و

تابستان ۸۸، شماره ۱۸، صص ۱۰۵-۱۳۲.

پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ش). *درسنامه‌ی معناشناسی*، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

پاکتچی، احمد، *آشنایی با مکاتب معناشناسی معاصر*، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۱۳.

پالمر، فرانک. (۱۳۸۷ش). *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه‌ی کورش صفوی، چاپ پنجم، تهران: مرکز.

حامد عبدالقاهر، *دراسات فی علم النفس الادبی*، القاهرة: لجنه البیان الادبی، المطبعة النموذجیه، د.ت.

راغب اصفهانی، محمد بن حسین. (بی تا). *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، مرتضوی.

سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷ش). *نشانه شناسی کاربردی (مجموعه نشانه شناسی در زبان شناسی ۱)* تهران:

نشر علم.

شریفی، علی. (۱۳۹۴ش). *معناشناسی قرآن در اندیشه‌ی شرق شناسان*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و

مذاهب.

واکوی حرف تَمَنی لیت در قرآن کریم از منظر مربع معنائی..... ۵۳۱۱

- شعیری، حمید رضا. (۱۳۸۱ش). مبانی معناشناسی نوین، تهران: سمت.
- شعیری، حمید رضا. (۱۳۸۵ش). تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان، تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا و همکاران، رویکرد نشانه - معناشناختی فرآیند مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوقی مثنوی، پژوهش‌های ادبی عرفانی (گوه‌ر گویا)، سال ششم، شماره سوم، پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۶۹-۹۴.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۷ش). درآمدی بر معناشناسی، تهران: سوره مهر.
- عرفان، حسن. (۱۳۹۴ش). ترجمه و شرح جواهر البلاغه، قم: نشر بلاغت.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). العین، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
- کالر، ج. د. (۱۳۷۹ش). فردینان دو سوسور، صفوی، ک. (مترجم). تهران: هرمس.
- گریماس، ا. ج. (۱۳۸۷ش). معنا شناسی ساختاری، ترجمه علی قنبری.
- گریماس، آلژیرداس ژولین. (۱۳۸۹ش). نقصان معنا، ترجمه و شرح حمیدرضا شعیری، تهران: نشر علم.
- لطفی، مهدی، بررسی و نقش معناشناسی قرآنی ایزوتسو، دوفصلنامه علمی پژوهشی « پژوهش‌های زبان شناختی قرآن»، سال سوم، شماره دوم، پاسسز و زمستان، پیاپی ۶، ۱۳۹۳ش.
- مختار عمر، احمد. (۱۳۸۶ش). معناشناسی، ترجمه سید حسن سیدی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- معین، بابک. (۱۳۸۳ش). سیر زایشی معنا، مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.